

«ابعاد سیاسی بحران کرونا» در گفت‌وگو با داوود فیراحی

کمرنگ شدن اتحادیه های بین المللی؛ برجسته شدن دیدگاه های ملی گرایانه

در جهان پساکرونا با مسائل هویتی جدیدی مواجه خواهیم شد

مهسا رضانی، سال‌ها از تحلیلگران علوم‌سیاسی درباره «ضرورت کوچک شدن دولت‌ها» و محدود شدن حیطه اختیارات آنان در حکمرانی مدرن شنیدیم و تأکید براینکه آموزش و بهداشت و خدمات عمومی و... باید به بخش خصوصی واگذار شود. اما این روزها با عالم گیر شدن بحران کرونا شاهد اظهارنظرهای متفاوتی از سوی برخی از متفکران هستیم که بر این باورند کرونا توانست نقش دولت‌ها در حفظ و بهبود زندگی جامعه را مجدداً پرچسته کند و به این اعتبار، اساس اندیشه‌های نولیبرال مبتنی بر خصوصی سازی آموزش و بهداشت را به چالش کشیدند.

از سوی دیگر، این روزها پیوسته از سوی اهالی اندیشه مطرح می‌شود که اثرگذاری ویروس کرونا بر حوزه سیاست در درازمدت بیش از سایر ساحت‌ها خواهد بود؛ چنانکه تئوریسین‌های اندیشه سیاسی را به بازنگری برخی نظریات در جهان پساکرونا سوق خواهد داد. پیرامون این مجادلات نظری با داوود فیراحی، استاد علوم‌سیاسی دانشگاه تهران، به گفت‌وگو نشستیم تا از او درباره «تأثیرات کرونا بر عالم سیاست» بشنویم و بپرسیم «آیا کرونا می‌تواند انسان امروز را به بازاندیشی در ساختارهای سیاسی وادارد؟» او که آثار متعددی در حیطه اندیشه سیاسی دارد بر این باور است که بحران کرونا بیشتر تبعات اجتماعی خواهد داشت تا سیاسی و خود را در دوگانه متفکرانی معرفی می‌کند که معتقدند جهان در عرصه سیاسی همچنان روند کوچک شدن دولت‌ها را پیش خواهد گرفت. آنچه در ادامه می‌آید، ماحصل گپ‌وگفت ما با او است.



■ جناب فیراحی، در جریان مدیریت ویروس کرونا، این «دولت‌ها» هستند که بیش از هر نهاد دیگری، در مهار این بحران نقش دارند. این در حالی است که در دهه‌های اخیر بسیاری از صاحب نظران از ضرورت کوچک شدن دولت‌ها سخن گفته‌اند. به اعتقاد شما، آیا بحران کرونا می‌تواند این نگرش را تعدیل کند و دولت‌ها فربه‌تر از گذشته شوند؟

به نظر می‌رسد که در مورد بحران کرونا همچون بسیاری از بحران‌های اجتماعی دیگر، بیش از حد اغراق شده است. واقعیت این است که ما پیش‌تر نیز از این دست بحران‌ها کم نداشته‌ایم.

در خصوص پرسش شما که چقدر در جریان شیوع ویروس کرونا، نقش دولت‌ها برجسته شد؛ باید گفت که به نظر می‌آید دولت‌ها همچنان روند کوچک شدن‌شان را ادامه می‌دهند؛ اما با این حال، در برخی جوامع، دولت‌ها روند قوی‌تر شدن را پیش خواهند گرفت.

شاید در کوتاه مدت برای دولت‌ها اقتدار ایجاد شود اما بعد است که به اقتدارگرایی‌های سابق برگردند؛ چون انسان امروز بتدریج به دولت‌های کوچک‌تر عادت کرده است. از این رو، معتقدم ممکن است قدری کار-ویژه‌های دولت‌ها تغییر کند و نوعی «سوسیالیسم بهداشتی» همچون بیمه‌های سلامت بتدریج تقویت شود؛ اما اقتدارگرایی گذشته، احیا نخواهد شد. همچنین به نظر می‌رسد با وجود اینکه در برخی جوامع، دولت‌ها پر رنگ‌تر می‌شوند، اما از دست

رفتن وجه دموکراتیک آنها، امری بعید است.

■ برخی جامعه‌شناسان و متفکران علوم‌سیاسی بر این باورند که از دیگر تأثیرات کرونا بر ساحت سیاسی، کم‌رنگ شدن اتحادیه‌های بین‌المللی و برجسته شدن دیدگاه‌های ملی گرایانه است. آیا شما هم با این اظهار نظرها مهادل هستید؟

بله، من نیز معتقدم در جهان پساکرونا، تا حدودی مرزهای ملی تقویت می‌شود و رفت‌وآمدهای بین‌المللی احتمالاً کمتر خواهد شد.

■ فکر می‌کنید چه عواملی زمینه‌ساز این فرآیند خواهند شد؟

اگر بنا باشد دولت‌ها مسئولیت‌های اجتماعی‌تری همچون مسئولیت‌های بهداشتی را برعهده گیرند، علی‌القاعده مرزها بیشتر اهمیت و اولویت می‌یابند.

اتفاق دیگری که ممکن است رخ دهد

برعهده گرفتن بخش عمده‌ای از مشاغل عمومی توسط شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی است. در جهان پساکرونا، قسمت‌های مجازی زندگی، واقعی‌تر می‌شوند و مردم به آن عادت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال مراکزى همچون بانک و پست و... فعالیت‌های خود را بیشتر در قالب مجازی پیش خواهند برد.

به نظر می‌رسد که در جهان پساکرونا، برجسته‌ها کم و احتمالاً شماره ملی‌ها اکانت‌ها خواهد بود. در جهان پساکرونا احتمال می‌رود انسان‌ها چندان شناخته شده نباشند حتی برای نظام‌های حقوقی هم، اکانت‌ها بیش از افراد و شخصیت حقیقی‌شان اهمیت خواهد یافت.

■ یعنی به اعتقاد شما، ما با مسائل هویتی جدیدی مواجه خواهیم شد؟

بله دقیقاً همین‌طور است. واقعیت این است که در جهان پساکرونا، تمایزهای شخصیتی آنچنان که باید هویدا نخواهد بود؛ به‌عنوان مثال، افراد تنها با یک کد ملی به سیستم‌های بانکداری وارد می‌شوند بدون اینکه کسی آنان را بشناسد و از اینکه چه میزان ثروت دارند، آگاه باشند. می‌خواهم بگویم فارغ از مسائل هویتی، به نظر می‌آید اساس در جهان پساکرونا دنیای مجازی واقعی‌تر می‌شود.

بخش‌های زیادی از آرشوها، کتابخانه‌ها و موزه‌ها به روی همه گشوده می‌شود و دیگر نیازی به مراجعه به سالن مطالعه یا اماکن عمومی و موزه‌ها نیست و به‌طور

کلی، «خانه» و «فضای خصوصی» موضوعیت و اهمیت بیشتری می‌یابد.

■ فکر می‌کنید واقعی‌تر شدن دنیای مجازی در جهان پساکرونا به تنهایی انسان مدرن دامن می‌زند؟

بله، قطعاً مجازی شدن دنیای واقعی، به تنهایی انسان مدرن دامن خواهد زد.

اما این تنهایی، تنهایی مطلق نیست. واقعیت این است که در جریان شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی، نوعی «اجتماع مجازی» شکل می‌گیرد که در این فضا، تا حدودی تنهایی انسان مدرن التیام می‌یابد؛ چراکه به نوعی این همانی با فضای بیرونی و واقعی آرامش بیشتری را به همراه می‌آورد.

حداقل در ایران تجارب اولیه نشان می‌دهد که انسان‌ها در جریان استفاده از شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی، ارتباطات گسترده‌ای را از طریق تصاویر مجازی شکل

داده‌اند. با این حال، تنهایی، در جهان پساکرونا، تنهایی مطلق نیست تنهایی و در عین حال اشتراک در فضای مجازی، نوعی درهم تنیدگی حوزه عمومی و خصوصی است؛ به این معنا که همه جا خانه ما است و همه در خانه یکدیگر هستیم اما در عین حال، تنها هم هستیم.

■ فکر می‌کنید برجسته شدن دنیای مجازی در عصر پساکرونا، ساحت سیاست را هم تحت الشعاع قرار می‌دهد؟ این امر، برای کارگزاران سیاسی و عالم سیاست، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

طبیعتاً جدی‌تر شدن دنیای مجازی، بر حوزه سیاست و توسعه نیز اثرگذار خواهد بود؛ یکی از جدی‌ترین نمودهای پیامد این امر می‌تواند در شکل‌گیری «افکار عمومی مجازی» باشد. واقعیت این است که افکار عمومی مجازی، ملاحظات افکار عمومی واقعی را ندارد و سانسور را بر نمی‌تابد.

از همه مهم‌تر اینکه شیوع ویروس کرونا موجب تسطیلی کسب و کارهای نسبتاً زیادی مانند دستفروشی و برخی مشاغل آزاد شده است و اکنون این افراد بیکار شده‌اند و موجب افزایش روند بیکاری شده و همین مشکل خود به مشکلات بسیار زیاد دیگری مانند افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مانند طلاق، سرقت، کارتن خوابی، خشونت و حاشیه‌نشینی منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، بروز یک مشکل حتی کوچک در بخش مثلاً اقتصادی موجب بروز و ظهور انواع مشکلات اجتماعی و فرهنگی در بخش‌های دیگر شده و به‌صورت زنجیره‌ای مشکلات و مسائل می‌توانند تداوم یافته و اساساً جامعه و تعاملات اجتماعی را از بیخ و بن دگرگون کنند!! در همین رابطه حضور و تداوم ویروس کرونا تا زمان نامعلوم به احتمال زیاد منجر به ایجاد روند فرسایشی در تمامی شئون زندگی شهروندان شده و تاب‌آوری فردی و اجتماعی را تا حد ممکن پایین آورد و در نتیجه انواع گرفتاری‌ها و مشکلات جدیدی سر برخواهد آورد که در گذشته

نظیرش را ندیده‌ایم. در مجموع مبتنی بر «گفت‌مان جهان پساکرونايي» می‌توان گفت که مدعیان چنین جهانی بحث تغییرات بنیادی در زندگی و زیست انسان‌ها را دووجه «سلبی» و «ایجابی» دیده‌اند که البته به نظر می‌رسد وجه سلبی غلبه بیشتری بر وجه ایجابی داشته باشد. در وجه سلبی برای مثال می‌توان به مواردی چون تغییر عادت‌واره‌های زندگی آدمیان از دشمن‌پنداری دیگران و تا فرو رفتن در ذهنیت‌های عجیب، سو وطن و بدگمانی به همه چیز و همه کس، وابستگی بیش از پیش و افقاً در عمل آنچنان تغییراتی در روند بود و باش و زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌وجود می‌آورد که بتوان یا باید از «جهان پساکرونايي» سخن گفت؟

۲- چنین پیش‌بینی‌هایی تا کجا می‌تواند با

گسست‌های اجتماعی، افزایش توطئه‌پنداری، تغییر در روابط بین‌الملل اشاره کرد. اما در وجه ایجابی از فردگرایی بهداشتی گرفته تا توجه بیشتر به حفظ محیط زیست، بازگشت به روستاها و افزایش مهاجرت معکوس، در پیش گرفتن صرفه‌جویی و قناعت در زندگی، خودتاکایی، عشق ورزی و شفقت‌ورزی بیشتر در قبال انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مورد توجه این دیدگاه است. در نقد و بررسی این دیدگاه با گفت‌مان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- پرسش اول این است که آیا اساساً ویروس کرونا واقعاً در عمل آنچنان تغییراتی در روند بود و باش و زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌وجود می‌آورد که بتوان یا باید از «جهان پساکرونايي» سخن گفت؟

۲- چنین پیش‌بینی‌هایی تا کجا می‌تواند با

■ معتقدم، کرونا باعث ایجاد انقلابی در روابط انسان‌ها نمی‌شود و به تعبیری، کرونا آخرالزمان نیست؛ هرچند که می‌تواند به‌عنوان یک پدیده و بحران اجتماعی تغییراتی را در جوامع ایجاد کند. در مورد بحران کرونا همچون بسیاری از بحران‌های اجتماعی دیگر، بیش از حد اغراق شده است.

■ هرچند در جریان شیوع ویروس کرونا، نقش دولت‌ها برجسته شد اما در جهان پساکرونا دولت‌ها همچنان روند کوچک شدن‌شان را ادامه می‌دهند. شاید در کوتاه مدت برای دولت‌ها اقتدار ایجاد شود، اما از دست رفتن وجه دموکراتیک آنها، امری بعید است.

■ در جهان پساکرونا، ما با مسائل هویتی جدیدی مواجه خواهیم شد؛ قسمت‌های مجازی زندگی واقعی‌تر می‌شوند و این امر به «تنهایی انسان مدرن» دامن خواهد زد. چهره‌ها کم و احتمالاً شماره ملی‌ها برجسته می‌شوند و مواجهه ما بیشتر با اکانت‌ها خواهد بود. حتی برای نظام‌های حقوقی هم، اکانت‌ها بیش از افراد و شخصیت حقیقی‌شان اهمیت خواهد یافت.

■ فکر می‌کنید برجسته شدن دنیای مجازی در عصر پساکرونا، ساحت سیاست را هم تحت الشعاع قرار می‌دهد؟ این امر، برای کارگزاران سیاسی و عالم سیاست، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

طبیعتاً جدی‌تر شدن دنیای مجازی، بر حوزه سیاست و توسعه نیز اثرگذار خواهد بود؛ یکی از جدی‌ترین نمودهای پیامد این امر می‌تواند در شکل‌گیری «افکار عمومی مجازی» باشد. واقعیت این است که افکار عمومی مجازی، ملاحظات افکار عمومی واقعی را ندارد و سانسور را بر نمی‌تابد.

از همه مهم‌تر اینکه شیوع ویروس کرونا موجب تسطیلی کسب و کارهای نسبتاً زیادی مانند دستفروشی و برخی مشاغل آزاد شده است و اکنون این افراد بیکار شده‌اند و موجب افزایش روند بیکاری شده و همین مشکل خود به مشکلات بسیار زیاد دیگری مانند افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مانند طلاق، سرقت، کارتن خوابی، خشونت و حاشیه‌نشینی منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، بروز یک مشکل حتی کوچک در بخش مثلاً اقتصادی موجب بروز و ظهور انواع مشکلات اجتماعی و فرهنگی در بخش‌های دیگر شده و به‌صورت زنجیره‌ای مشکلات و مسائل می‌توانند تداوم یافته و اساساً جامعه و تعاملات اجتماعی را از بیخ و بن دگرگون کنند!! در همین رابطه حضور و تداوم ویروس کرونا تا زمان نامعلوم به احتمال زیاد منجر به ایجاد روند فرسایشی در تمامی شئون زندگی شهروندان شده و تاب‌آوری فردی و اجتماعی را تا حد ممکن پایین آورد و در نتیجه انواع گرفتاری‌ها و مشکلات جدیدی سر برخواهد آورد که در گذشته

نظیرش را ندیده‌ایم. در مجموع مبتنی بر «گفت‌مان جهان پساکرونايي» می‌توان گفت که مدعیان چنین جهانی بحث تغییرات بنیادی در زندگی و زیست انسان‌ها را دووجه «سلبی» و «ایجابی» دیده‌اند که البته به نظر می‌رسد وجه سلبی غلبه بیشتری بر وجه ایجابی داشته باشد. در وجه سلبی برای مثال می‌توان به مواردی چون تغییر عادت‌واره‌های زندگی آدمیان از دشمن‌پنداری دیگران و تا فرو رفتن در ذهنیت‌های عجیب، سو وطن و بدگمانی به همه چیز و همه کس، وابستگی بیش از پیش و افقاً در عمل آنچنان تغییراتی در روند بود و باش و زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌وجود می‌آورد که بتوان یا باید از «جهان پساکرونايي» سخن گفت؟

۲- چنین پیش‌بینی‌هایی تا کجا می‌تواند با

گسست‌های اجتماعی، افزایش توطئه‌پنداری، تغییر در روابط بین‌الملل اشاره کرد. اما در وجه ایجابی از فردگرایی بهداشتی گرفته تا توجه بیشتر به حفظ محیط زیست، بازگشت به روستاها و افزایش مهاجرت معکوس، در پیش گرفتن صرفه‌جویی و قناعت در زندگی، خودتاکایی، عشق ورزی و شفقت‌ورزی بیشتر در قبال انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مورد توجه این دیدگاه است. در نقد و بررسی این دیدگاه با گفت‌مان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- پرسش اول این است که آیا اساساً ویروس کرونا واقعاً در عمل آنچنان تغییراتی در روند بود و باش و زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌وجود می‌آورد که بتوان یا باید از «جهان پساکرونايي» سخن گفت؟

۲- چنین پیش‌بینی‌هایی تا کجا می‌تواند با

جهان پساکرونايي؛ توهم یا واقعیت؟!

پرسش‌هایی که مدعیان «گفت‌مان جهان پساکرونايي» را به چالش می‌کشد

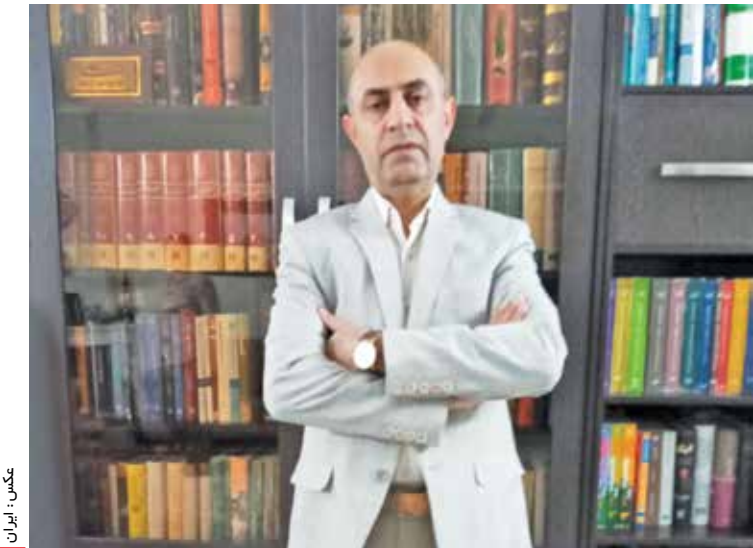
محمدباقر تاج‌الدین
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

از آن دوباره سازی‌ها.

مدعیان جهان پساکرونايي ادعا می‌کنند که شیوع ویروس کرونا در جهان آنچنان بر تمام شئون زندگی انسان‌ها و جوامع تأثیر گذاشته است که جهان پس از پایان کرونا دیگر آن جهان پیش از آن نخواهد بود به گونه‌ای که بسیاری از ابعاد زندگی نظیر تعاملات میان فردی و اجتماعی، تعاملات تجاری و اقتصادی، تعاملات سیاسی، روابط بین‌الملل، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، مسابقات و رویدادهای ورزشی، رویدادهای هنری و فرهنگی، امور گردشگری و جهانگردی و به‌طور کلی سبک زندگی انسان‌ها، دیگر همانند دوران پیشاکرونا نخواهد بود. برای نمونه بسیاری از فعالیت‌های تجاری و اقتصادی حتی در سطح خرد چنان به شبکه‌های مجازی وابسته خواهد شد که پس از آن نیز افراد ممکن است دیگر تمایلی به فعالیت‌های فیزیکی و حضوری نداشته باشند یا برخی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به فضای مجازی مرتبط می‌شود و ممکن است این مراکز در دوران پساکرونايي همین رویه را ادامه دهند. همچنین در بخش گردشگری با فعال شدن و گسترش گردشگری مجازی که طی آن می‌توان بسیاری از مناطق دیدنی جهان را از طریق فضای مجازی بازدید نمود ممکن است به روندی غالب و مسلط بدل شود. در بحث سینما امروزه بسیاری از شبکه‌های مجازی در حال ارائه و پخش فیلم‌های سینمایی مطرح هستند و نمی‌بینند و باز هم ممکن است این روند ادامه یابد، اما در بخش‌های سازمانی و اداری برخی امور از طریق دورکاری انجام می‌شود و امکان اینکه چنین روندی دست کم برای کارکنانی مانند زنان متأهل و دارای فرزند تداوم یابد نیز وجود دارد.

ویروس کرونا در بیشتر مناطق جهان شیوع یافته و تقریباً تمامی مردمان جهان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. آخرین آمارها را سه میلیون و ۷۰۰ هزار نفر مبتلا و ۲۵۵ هزار نفر فوتی در جهان خبر می‌دهد، بسیاری از کسب و کارها به حالت تعلیق درآمده‌اند و بسیاری از رویدادهای علمی، ورزشی، هنری، دینی و فرهنگی تعطیل شده‌اند. شهروندان مناطق آلوده به این ویروس همچنان در قرنطینه خانگی بسر می‌برند و از همه بدتر اینکه با نوعی ترس و اضطراب روزگار سپری می‌کنند. در این میان اما فکر کردن به این پرسش که پس از پایان شرایط کرونايي جهان چگونه خواهد شد از آن دست پرسش‌های بنیادینی است که این روزها ذهن و روان بسیاری از مردمان جهان را گرفتار کرده است.

کرونا آنچنان بر جهان و جهانیان اثر گذاشته است که حالا از جهان پساکرونايي و پساکرونايي سخن می‌رود و تو گویی که این ویروس توانسته است تاریخ را به دو مقطع پیشاکرونا و پساکرونا بدل کند و زندگی و بود و باش ساکنان کره خاکی در این دو مقطع تفاوت‌های عمده‌ای خواهد یافت. همچنین تاکنون تحلیل‌هایی توسط روشنفکران و تحلیلگران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در خصوص جهان پیشاکرونا و پساکرونا ارائه شده است و فارغ از درست یا نادرست بودن این تحلیل‌ها که در جای خود نیازمند واکاوی و بررسی همه‌جانبه است اینگونه به نظر می‌رسد که حالا دیگر چه بخواهیم و چه نخواهیم گویا ربا دیگر تاریخ دو پاره شده است. آنگونه که در گذشته نیز این دوباره سازی‌های تاریخی صورت گرفته بود مانند تاریخ پیشا قرون وسطی و پساقرون وسطی، پیشامدرن و پسامدرن، پیشا جنگ جهانی دوم و پساجنگ جهان دوم، پیشا انقلاب و پسا انقلاب و این هم نمونه جدید



محمدباقر تاج‌الدین

گسست‌های اجتماعی، افزایش توطئه‌پنداری، تغییر در روابط بین‌الملل اشاره کرد.

اما در وجه ایجابی از فردگرایی بهداشتی گرفته تا توجه بیشتر به حفظ محیط زیست، بازگشت به روستاها و افزایش مهاجرت معکوس، در پیش گرفتن صرفه‌جویی و قناعت در زندگی، خودتاکایی، عشق ورزی و شفقت‌ورزی بیشتر در قبال انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مورد توجه این دیدگاه است. در نقد و بررسی این دیدگاه با گفت‌مان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- پرسش اول این است که آیا اساساً ویروس کرونا واقعاً در عمل آنچنان تغییراتی در روند بود و باش و زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌وجود می‌آورد که بتوان یا باید از «جهان پساکرونايي» سخن گفت؟

۲- چنین پیش‌بینی‌هایی تا کجا می‌تواند با

گسست‌های اجتماعی، افزایش توطئه‌پنداری، تغییر در روابط بین‌الملل اشاره کرد.

اما در وجه ایجابی از فردگرایی بهداشتی گرفته تا توجه بیشتر به حفظ محیط زیست، بازگشت به روستاها و افزایش مهاجرت معکوس، در پیش گرفتن صرفه‌جویی و قناعت در زندگی، خودتاکایی، عشق ورزی و شفقت‌ورزی بیشتر در قبال انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مورد توجه این دیدگاه است. در نقد و بررسی این دیدگاه با گفت‌مان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: